

شناسایی عوامل اجتماعی - فرهنگی مؤثر بر توانمندسازی اعضای تعاونی‌های روستایی زنان استان ایلام

زینب بندرز*

عضو باشگاه پژوهشگران جوان و دانشجوی دکتری، گروه ترویج و آموزش کشاورزی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

مهرداد نیک نامی

عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی، گروه ترویج و آموزش کشاورزی، واحد گرمسار، دانشگاه آزاد اسلامی، گرمسار، ایران

تاریخ دریافت: ۱۴/۲/۹۱

تاریخ پذیرش: ۱۵/۸/۹۲

چکیده

پژوهش حاضر با هدف شناسایی عوامل اجتماعی - فرهنگی مؤثر بر توانمندسازی اعضای تعاونی‌های روستایی زنان استان ایلام انجام گرفت. تحقیق حاضر به لحاظ هدف، کاربردی و به لحاظ روش، توصیفی - همبستگی است. جامعه آماری تحقیق؛ کلیه زنان عضو تعاونی‌های روستایی زنان استان ایلام در سال ۹۰-۱۳۸۹ بودند ($N=1242$) که با استفاده از نمونه گیری به روش تصادفی ساده، ۱۲۸ نفر به عنوان حجم نمونه انتخاب شدند. ابزار تحقیق، پرسشنامه ای بود که روایی آن بر اساس نظر جمعی از اساتید تأیید گردید. پایایی این بخش از پرسشنامه (عوامل اجتماعی - فرهنگی) نیز با محاسبه از طریق ضریب کرونباخ آلفا ($\alpha=0/83$) برآورد شد. نتایج آزمون همبستگی اسپیرمن مبین آن بود که بین متغیرهای میزان مدیریت مشارکتی و انجام گروهی کارها در تعاونی هر یک به طور جداگانه با میزان توانمندسازی اعضای با ۹۹ درصد اطمینان و بین متغیر میزان شرکت در تصمیم‌های تعاونی با میزان توانمندسازی اعضای با ۹۵ درصد اطمینان رابطه مثبت و معنی داری وجود دارد. نتایج رگرسیون در خصوص تأثیرگذاری شش متغیر مورد مطالعه بر توانمندسازی اعضای نیز مبین آن بود که متغیر مدیریت مشارکتی در تعاونی مهم‌ترین عامل تأثیرگذار بر توانمندسازی اعضای است که تنها توانایی تبیین ۱۳/۹٪ از واریانس توانمندی اعضای را دارا می‌باشد.

واژه های کلیدی: عوامل اجتماعی - فرهنگی، توانمندسازی زنان روستایی، تعاونی‌های روستایی زنان، ایلام.

مقدمه

سوی مشارکت استراتژیک اجتماعی یا به عبارتی افزایش قدرت در سطح اجتماعی است. علی‌رغم این واقعیت که به طور نظری حضور اجتماعی زنان در عرصه‌های اجتماعی پذیرفته شده، لیکن به علت فقدان درک عمومی در زمینه راه‌های عملی ساختن این عقیده تغییرات چندانی در پایگاه اجتماعی زنان روستایی رخ نداده است (برازنده مقدم، ۱۳۸۸). در این راستا بخش تعاون می‌تواند زنان را وارد صحنه اجتماعی کرده و راه را برای حضور فعال‌تر آنان در جامعه باز کند. از این رو ایجاد، تقویت و بهبود تعاونی‌ها، راهبردی برای توانمندسازی زنان شمرده می‌شود (شعبانعلی فمی و همکاران، ۱۳۸۵). از دیدگاه سازمان ملل متحد، تعاونی یعنی توانمندسازی؛ که از طریق آن مردم با همکاری با هم، به اهدافی دست می‌یابند که به تنهایی قادر به تحقق آن نبودند (United Nations, 2007). ضرورت تشکیل شرکت‌های تعاونی روستایی زنان از حیث نقش آن‌ها در افزایش مشارکت بیشتر در جامعه، توانایی تصمیم‌گیری، ایجاد توازن میان کار و مسئولیت‌های خانوادگی و دگرگونی هنجارهای اجتماعی به سمت برابری جنسیتی مهم تلقی می‌گردند (Esim & Omaira, 2009). تعاونی‌ها همچنین در کاهش مهاجرت بالقوه، گسترش و استحکام روابط اجتماعی و ایجاد یک هویت مشترک در جامعه نیز نقش دارند (Brennan, 2005)؛ لذا انتظار می‌رود با رسمیت و ثبت این تعاونی‌ها، بخش اعظم مشکلات مربوط به مسایل اجتماعی - فرهنگی زنان حل شود و این شرکت‌ها بتوانند نهاد مناسبی برای نظم و انضباط فعالیت‌های داوطلبانه اجتماع روستا و ایجاد سازندگی باشند.

حضور زنان در ابعاد مختلف اجتماع، از پیش نیازهای توسعه‌یافتگی کشورها به شمار می‌رود. از این رو تقریباً در تمامی کشورها به نیروی زنان برای نیل به اهداف توسعه تأکید شده است. در برنامه‌های توسعه ملی و بین‌المللی نیز این قشر مورد توجه چشمگیری قرار گرفته‌اند و برای توانمندسازی آنان در تمام زمینه‌ها تلاش می‌گردد (Prakash, 2003). در زمینه ساختارهای توسعه، مفهوم توانمندسازی پس از کنفرانس پکن در دهه ۱۹۹۰ به تصویب رسید. اعلامیه پکن توانمندسازی زنان را به عنوان یک استراتژی کلیدی برای توسعه معرفی کرده است. در اعلامیه عنوان شده توانمندسازی زنان و مشارکت کامل آنان بر اساس اصل برابری در تمام عرصه‌های اجتماعی، ابزاری برای مشارکت در فرآیند تصمیم‌گیری و دسترسی به قدرت پایه برای دست‌یابی به برابری، توسعه و صلح است (Charlier et al., 2006). بدیهی است منظور از بررسی عوامل اجتماعی - فرهنگی مؤثر بر توانمندسازی زنان، اهمیت واقعی و نه صوری آن‌ها را در توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جامعه نمایان می‌سازد. توانمندسازی زنان به معنای داشتن توانایی لازم برای انجام شماری از وظایف به صورت جداگانه و یا در داخل گروه‌ها است (Allahdadi, 2011). از دیدگاه Malhotra (2010) فرآیند توانمندسازی، ساختارهای اجتماعی منفی را از هم می‌پاشد، به گونه‌ای که زنان قادر به داشتن ظرفیت و قابلیت و نیز حق لازم برای عمل و نفوذ در تصمیم‌ها را پیدا می‌کنند. از دیدگاه وی این فرآیند، مستلزم تغییر وضعیت زنان و حرکت به

مناسب در بین اعضای پروژه و مشارکت در فعالیت های پروژه می‌دانند.

نتایج مطالعات (Bharathamma(2005 نیز حاکی از آن بود که بین مشارکت اجتماعی با توانمندی زنان روستایی رابطه مثبت و معنی داری وجود دارد.

Acharya et al. (2005) شرط اصلی توانمندسازی زنان روستایی را در افزایش سطح آگاهی آنان و رهایی از محدودیت‌های فرهنگی- اجتماعی جامعه می‌دانند.

به عقیده (Aster & Maneja (2002 نیز توانمندسازی زنان مستلزم تغییر، دگرگونی و تحول ارزش‌ها و هنجارهایی است که به مدت طولانی در حاشیه قرار گرفته بودند.

شواهد و قرائن موجود در زمینه عملکرد این نهادها در استان ایلام بیانگر آن است که با وجود حضور زنان در این شرکت‌ها و مشارکت در عرصه های مختلف اجتماعی، لیکن در زمینه توانمندسازی آنان اقدام خاصی صورت نگرفته است. دخالت و نظارت اکثر اعضای در تصمیم‌گیری تعاونی‌ها بسیار ناچیز است. مدیران عامل، اعضای را از حوزه تصمیم‌سازی خارج نموده و در امور تعاونی مشارکت نمی‌دهند. کنار گذاشتن خیل عظیم اعضای و عدم مشارکت آن‌ها در تصمیم‌گیری‌های مربوط به امور تعاونی؛ موجب احساس عدم تعلق نسبت به تعاونی، نارضایتی، فقدان اعتماد بین اعضای و ارکان، ناهماهنگی و عدم تفاهم بین آن‌ها می‌شود. به طور طبیعی ادامه چنین وضعیتی با اساس نامه تعاونی که مشارکت دموکراتیک تمام اعضای را به عنوان اساسی‌ترین اصول خود معرفی کرده منافات دارد. از این رو لزوم شناسایی راهکارهای عملی

Vakoufaris et al. (2007) , Grown et al. (2005) و Chaudhry & Nosheen(2009) در

مطالعات خود به این نتیجه دست یافتند که علی‌رغم تلاش‌های صورت گرفته، تعاونی‌های روستایی تاکنون نتوانسته‌اند نقش خود را آن گونه که انتظار می‌رود در توانمندسازی زنان روستا ایفا نمایند.

نتایج مطالعات (Sanyang & Huang(2008 نشان داد اغلب تعاونی‌های موجود از نظر ساختارهای حاکمیتی با مشارکت آزاد خود زنان اداره نگردیده و ساختارهای دولتی و مردسالارانه بر آن‌ها حاکم است.

شعبانعلی فمی و همکاران(۱۳۸۵) به این نکته اشاره کرده‌اند که مشارکت اجتماعی زنان در تعاونی‌ها توانمندی آنان را در پی دارد.

کتابی و فرخی راستابی(۱۳۸۲) معتقدند؛ رفع تبعیض از بازار کار، و حذف باورهای سنتی در افزایش توانمندسازی زنان نقش مؤثری دارند.

صفری شالی(۱۳۸۷) در مقاله ای از تغییر نگرش جامعه نسبت به نقش زنان، به عنوان یکی از عوامل تسهیل کننده توانمندسازی زنان نام برده است.

نتایج مطالعات (Tayd & Chole (2010 نشان داد که بین طبقه اجتماعی، نوع خانواده، مشارکت اجتماعی و منزلت اجتماعی با توانمندسازی زنان روستایی رابطه مثبت و معنی داری وجود دارد.

Chaudhry & Nosheen (2009) معتقدند که توانمندسازی زنان تحت تأثیر نرخ مشارکت در خانواده، شغل زنان و هنجارهای اجتماعی- فرهنگی جامعه قرار دارد.

Riano & Okali (2008) دست یابی زنان به توانمندی را از طریق انجام کار گروهی، مشارکت در تصمیم‌گیری پروژه، داشتن تفاهم و روابط

۲. اولویت بندی عوامل اجتماعی- فرهنگی مؤثر بر توانمندسازی اعضاء تعاونی‌های روستایی زنان استان ایلام.

۳. بررسی تأثیر عوامل اجتماعی- فرهنگی بر توانمندسازی اعضاء تعاونی‌های روستایی زنان استان ایلام.

روش پژوهش

تحقیق حاضر از لحاظ نوع هدف، کاربردی و از نظر جمع‌آوری داده‌ها، غیر آزمایشی (توصیفی) و از لحاظ نوع روش، همبستگی است. جامعه آماری این تحقیق، ۱۲۴۲ نفر اعضاء تعاونی‌های روستایی زنان استان ایلام در سال ۱۳۸۹-۹۰ می‌باشند. به منظور تعیین حجم نمونه در شهرستان‌هایی از استان که تعاونی‌های روستایی زنان در آن فعال بودند به طور تصادفی، ۱۲۸ نفر از اعضاء شرکت‌های تعاونی روستایی زنان (بر حسب فرمول کوکران) انتخاب شدند (جدول ۱). متغیرهای پیش بین تحقیق، عوامل اجتماعی- فرهنگی مؤثر بر توانمندسازی اعضاء می‌باشند. این عوامل به تفکیک شامل؛ میزان تفاهم و هماهنگی با سایر اعضاء در تعاونی، نگرش جامعه نسبت به اشتغال زنان در خارج از منزل، میزان مدیریت مشارکتی در تعاونی، میزان انجام گروهی و دسته جمعی کارها در تعاونی، میزان شرکت اعضاء در تصمیم‌های تعاونی و میزان شرکت اعضاء در جلسات مجمع عمومی بود. متغیر ملاک نیز، توانمندسازی اعضاء تعاونی‌های روستایی زنان استان ایلام می‌باشد. از آنجا که متغیر ملاک در تحقیق حاضر یک سازه است، لذا برای سنجش و اندازه گیری آن می‌بایست سازه مورد نظر با استفاده از شاخص‌های مربوط به هر یک از ابعاد فردی، اجتماعی،

اصلاح چنین وضعیتی در جهت افزایش قدرت بخشیدن به اعضاء تعاونی‌ها از یک سو و شناسایی عوامل توانمند ساز از سوی دیگر، حائز اهمیت است.

در این راستا سؤال تحقیق حاضر آن است که: به لحاظ اجتماعی- فرهنگی چه متغیرهایی بر توانمندسازی اعضاء تعاونی‌های روستایی زنان تأثیر دارند؟ پاسخ به این سؤال به برنامه ریزان کمک می‌کند تا در برنامه های تعاون با دید وسیع‌تری مسیر را برای رشد و توسعه تعاونی‌ها هموار نمایند. پاسخ به این سؤال منجر به شناسایی عوامل اجتماعی- فرهنگی مؤثر، پیش برنده و تقویت کننده توانمند ساز اعضاء تعاونی‌های مورد مطالعه نیز می‌گردد.

با توجه به اینکه تاکنون در این منطقه، مطالعه ای در زمینه عوامل اجتماعی- فرهنگی مؤثر بر توانمندسازی اعضاء این تعاونی‌ها صورت پذیرفته، و نیز از آنجا که عوامل اجتماعی- فرهنگی مؤثر و راهکارهای مناسب توانمند ساز اعضاء تعاونی‌های روستایی مورد مطالعه در هاله ای از ابهام است، لذا با توجه به خلأ موجود، ضرورت انجام این تحقیق بدیهی به نظر می‌رسد.

اهداف تحقیق

پژوهش حاضر با هدف کلی شناسایی عوامل اجتماعی- فرهنگی مؤثر بر توانمندسازی اعضاء تعاونی‌های روستایی زنان استان ایلام انجام گردید. در این رابطه اهداف اختصاصی زیر مورد توجه قرار گرفتند:

۱. شناسایی ویژگی‌های اعضاء تعاونی‌های روستایی زنان استان ایلام.

و در نرم افزار SPSS وارد گردید. در نهایت ضریب آلفای کرونباخ برای این بخش از سؤال‌های پرسشنامه (عوامل اجتماعی- فرهنگی مؤثر بر توانمندسازی) $\alpha=0/83$ محاسبه گردید که نشان داد، ابزار از پایایی لازم جهت سنجش متغیرها برخوردار است. در این تحقیق پس از جمع آوری داده‌ها جهت نیل به اهداف تحقیق، از آمار توصیفی و استنباطی استفاده شد. در ابتدا با استفاده از آمار توصیفی که شامل انواع فراوانی‌ها و مشخصه‌های مرکزی (میانگین، میانه، مد) و پراکندگی (انحراف معیار و واریانس) می‌باشد، به توصیف وضع موجود پرداخته شد. با استفاده از ضریب همبستگی اسپیرمن نیز به تعیین رابطه بین متغیرهای پیش بین و ملاک پرداخته شد. سپس با تکیه بر آمار استنباطی (رگرسیون چندگانه) به بررسی تأثیر هم‌زمان متغیرهای پیش بین، بر متغیر ملاک پرداخته گردید. شایان ذکر است، به دلیل حجم بالای داده‌ها و متغیرها و نیز کسب اطمینان از دقت و صحت محاسبات، کلیه مراحل و تجزیه و تحلیل داده‌ها به وسیله نرم‌افزار رایانه‌ای SPSS^{v18} محاسبه گردید.

اقتصادی، روان شناختی، و حقوقی مورد بررسی و اندازه گیری، قرار گیرد. بنابراین سازه مورد نظر از پنج بعد مورد اندازه گیری، قرار گرفته است. برای سنجش و اندازه گیری متغیر توانمندسازی، ۳۸ گویه تنظیم شد. برای هر یک از گویه‌ها نیز پنج طیف خیلی زیاد؛ زیاد؛ متوسط؛ خیلی کم و کم تعریف شد؛ لذا از ترکیب متغیرهای توانمندسازی فردی؛ اجتماعی؛ اقتصادی؛ روان شناختی و حقوقی متغیر کلی با عنوان «توانمندسازی» بدست آمده است که همان سازه مورد نظر است و متغیر ملاک تحقیق می‌باشد. ابزار تحقیق، مصاحبه و پرسشنامه بود. روایی پرسشنامه، از نوع محتوایی بود. به نحوی که سعی گردید تا ابزار و گویه‌های آن بر اساس پیشینه‌های تجربی و مبانی نظری موجود ساخته و پرداخته شود، سپس پرسشنامه طراحی شده به همراه اهداف و فرضیات تحقیق در اختیار اساتید موجود در این زمینه قرار گرفت و نظرات آنان لحاظ گردید. برای تعیین پایایی ابزار از آزمون آلفای کرونباخ استفاده گردید. به گونه‌ای که ۳۰ نفر خارج از جامعه آماری اصلی به طور تصادفی انتخاب، و پرسشنامه‌ها بین آن‌ها توزیع گردید که پس از تکمیل پرسشنامه‌ها، سؤال‌ها کد گذاری شده

جدول ۱- حجم نمونه اعضای شرکت‌های تعاونی روستائی زنان در استان ایلام

ردیف	نام شرکت	موقعیت جغرافیایی		تعداد اعضا	حجم نمونه
		شهرستان	روستا		
۱	ام البنین	دره شهر	بدره	۳۱۵	۳۱
۲	عفت	دره شهر	ولیعصر	۱۹۵	۱۹
۳	عصمت	ایوان	ایوان	۴۱۲	۴۰
۴	چوار	ایلام	چوار	۲۳۳	۲۳
۵	ملکشاهی	ایلام	قلعه جوق	۱۴۷	۱۵
۵ شرکت		-	-	۱۳۰۲	۱۲۸

منبع: یافته‌های حاصل از تحقیق

یافته‌ها

ویژگی‌های فردی اعضای تعاونی‌های روستایی زنان

طبق نتایج حاصله، سن اعضای تعاونی‌های مورد مطالعه در تحقیق حاضر به طور متوسط ۳۷ سال بود. در این میان، بیشترین فراوانی مربوط به گروه سنی ۲۰-۳۰ سال با تعداد ۴۶ نفر (۳۵/۹ درصد) و کمترین فراوانی مربوط به گروه سنی کمتر از ۲۰ سال با تعداد ۳ نفر (۲/۳ درصد) بود. از نظر وضعیت تأهل؛ ۷۵/۸ درصد اعضای متأهل و بقیه مجرد بودند. از نظر وضعیت سرپرست خانوار بودن؛ تنها ۴/۷ درصد از زنان مورد مطالعه سرپرست خانوار و بقیه غیر سرپرست بودند. از نظر میزان تحصیلات؛ ۱۰۴ نفر (۸۱/۳ درصد) از اعضای با بیشترین فراوانی دارای تحصیلات زیر دیپلم بودند. در خصوص سابقه عضویت؛ متوسط سابقه عضویت اعضای در تعاونی ۴/۵ سال بود. در این خصوص، کمترین سابقه عضویت یک سال و بیشترین سابقه عضویت ۱۴ سال گزارش شده بود. توزیع کلی نتایج در این زمینه نیز نشان داد که بیش از نیمی از اعضای (۶۱٪) دارای سابقه بین دو تا چهار سال می‌باشند.

مدیریت مشارکتی در تعاونی، میزان انجام گروهی و دسته جمعی کارها در تعاونی، میزان شرکت اعضا در تصمیم‌های تعاونی، و میزان شرکت اعضا در جلسات مجمع عمومی سنجیده شد. یافته‌های پژوهش در این رابطه نشان می‌دهند که تنها ۳۹/۹٪ از اعضا، میزان تفاهم و هماهنگی بین خود را در حد زیاد و خیلی زیاد ارزیابی نموده‌اند. در ارتباط با نگرش جامعه نسبت به اشتغال زنان در خارج از منزل؛ اکثریت اعضا (۸۴/۴٪)، نگرش جامعه را در حد زیاد و خیلی زیاد ارزیابی نموده‌اند. اکثر اعضا (۹۶/۱٪) میزان مدیریت مشارکتی در تعاونی را در حد کم و خیلی کم ارزیابی نموده‌اند. همچنین اکثر اعضا (۹۱/۴٪) معتقدند که انجام گروهی کارها در تعاونی نیز در حد کم و خیلی کم انجام می‌گیرد. ۷۸/۹٪ از اعضا اظهار داشته‌اند که در حد متوسط به پایین از اعضا در زمینه تصمیم‌گیری‌های تعاونی نظر خواهی انجام می‌شود. از طرفی بیش از نیمی از اعضا (۶۰/۲٪) بیان کرده‌اند، به میزان کم و خیلی کم در جلسات مجمع عمومی شرکت داده می‌شوند (جدول ۲).

عوامل اجتماعی- فرهنگی مؤثر بر توانمندسازی اعضای تعاونی‌های روستایی زنان

در این پژوهش، عوامل اجتماعی- فرهنگی مؤثر بر توانمندسازی اعضا با شش متغیر؛ میزان تفاهم و هماهنگی با سایر اعضا در تعاونی، نگرش جامعه نسبت به اشتغال زنان در خارج از منزل، میزان

جدول ۲- توزیع فراوانی بر حسب عوامل اجتماعی- فرهنگی مؤثر بر توانمندسازی اعضاء تعاونی‌ها

خیلی زیاد		زیاد		متوسط		کم		خیلی کم		متغیرهای تحقیق
درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	
۶.۳	۸	۳۳.۶	۴۳	۲۵	۳۲	۱۸	۲۳	۱۷.۲	۲۲	میزان تفاهم با سایر اعضاء
۱۸	۲۳	۶۶.۴	۸۵	۷	۹	۸.۶	۱۱	۰	۰	نگرش جامعه نسبت به اشتغال زنان
۰.۸	۱	۱.۶	۲	۱.۶	۲	۸.۶	۱۱	۸۷.۵	۱۱۲	میزان مدیریت مشارکتی
۰.۸	۱	۰.۸	۱	۷	۹	۲۶.۶	۳۴	۶۴.۸	۸۳	میزان انجام گروهی کارها
۰.۸	۱	۲۰.۳	۲۶	۳۵.۲	۴۵	۱۴.۸	۱۹	۲۸.۹	۳۷	میزان شرکت در تصمیم‌ها
۴.۷	۶	۱۱.۷	۱۵	۲۳.۴	۳۰	۱۸.۸	۲۴	۴۱.۴	۵۳	میزان شرکت در مجمع

مأخذ: یافته های تحقیق

اجتماعی- فرهنگی مؤثر بر توانمندسازی اعضاء را به خود اختصاص داده‌اند. در بین عوامل مورد بررسی، عواملی نظیر میزان انجام گروهی کارها در تعاونی و میزان مدیریت مشارکتی در تعاونی در انتهای فهرست قرار گرفته و می‌توان گفت از دیدگاه اعضاء، این موارد به عنوان عوامل احتمالی از تأثیرگذاری کمتری در مقایسه با سایر عوامل برخوردار هستند. همچنین در بین عوامل مورد بررسی، میزان شرکت در جلسات مجمع عمومی نیز با ضریب تغییرات ۰.۵۵۷ به عنوان یک عامل با کمترین میزان تأثیر مورد توجه پاسخگویان قرار گرفته و به لحاظ رتبه بندی، اولویت آخر را به خود اختصاص داده است (جدول ۳).

نتایج اولویت بندی گویه هایی که توسط آنها عوامل اجتماعی- فرهنگی مؤثر بر توانمندسازی اعضاء مورد سنجش قرار گرفت در جدول شماره ۳ نشان داده شده است. نتایج پژوهش در خصوص ترتیب اولویت عوامل اجتماعی- فرهنگی مؤثر بر توانمندسازی اعضاء بر اساس ضریب تغییرات مبین آن بود که؛ نگرش جامعه نسبت به اشتغال زنان در خارج از منزل با ضریب تغییرات ۰.۱۹۵، میزان تفاهم بین اعضاء با ضریب تغییرات ۰.۴۰۹، و میزان شرکت اعضاء در تصمیم گیری‌های مربوط به امور تعاونی با ضریب تغییرات ۰.۴۵۳ نسبت به سایر عوامل در رتبه بالاتری قرار گرفته و به ترتیب، رتبه های اول تا سوم را در بین عوامل

جدول ۳- اولویت بندی عوامل اجتماعی - فرهنگی مؤثر بر توانمندسازی اعضای تعاونی‌های روستایی زنان

اولویت	ضریب تغییرات	انحراف معیار	میانگین رتبه ای*	عوامل اجتماعی - فرهنگی
۱	۰.۱۹۵	۰.۷۷	۳.۹۳	نگرش جامعه نسبت به اشتغال زنان در خارج از منزل
۲	۰.۴۰۹	۱.۲۰	۲.۹۳	میزان تفاهم بین اعضای در تعاونی
۳	۰.۴۵۳	۱.۱۳	۲.۴۹	میزان شرکت اعضای در تصمیم‌های تعاونی
۴	۰.۵	۰.۷۳	۱.۴۶	میزان انجام گروهی کارها در تعاونی
۵	۰.۵۱۲	۰.۶۱	۱.۱۹	میزان مدیریت مشارکتی در تعاونی
۶	۰.۵۵۷	۱.۲۲	۲.۱۹	میزان شرکت اعضای در جلسات مجمع عمومی

* طیف لیکرت: ۱=خیلی کم ۲=کم ۳=متوسط ۴=زیاد ۵=خیلی زیاد

میزان توانمندی اعضای تعاونی‌های روستایی زنان

نتایج پژوهش در خصوص میزان توانمندی اعضای نشان داد که ۴ نفر (۳۱٪) از اعضای در حد کم، ۱۰۷ نفر (۸۳.۶٪) در حد متوسط، و ۱۷ نفر (۱۳.۳٪) در حد زیاد توانمند هستند. نتایج پژوهش حاکی از آن است که اکثر اعضای دارای توانمندی در حد متوسط هستند. همان طور که قبلاً توضیح داده شد توانمندسازی، یک سازه است و اشاره به مفاهیمی از قبیل: توانمندسازی فردی، اجتماعی، اقتصادی، حقوقی و روان شناختی دارد. بنابراین برای اندازه گیری آن لازم بود تا سازه مورد نظر با استفاده از شاخص‌های مربوط به هر یک از ابعاد فردی، اجتماعی، اقتصادی، حقوقی و روان شناختی مورد بررسی و اندازه گیری قرار گیرد؛ لذا از ترکیب متغیرهای توانمندسازی فردی؛ اجتماعی، اقتصادی،

روان شناختی، و حقوقی متغیر کلی با عنوان «توانمندسازی» به دست آمد. بنابراین متغیر مزبور از مجموع ۳۸ گویه با درجه بندی پنج‌گانه به دست آمده و دامنه تغییرات آن در فاصله ۳۸ تا ۱۹۰ است. در این تحقیق، کمترین نمره برای این متغیر برابر با ۵۰ و بیشترین نمره برابر با ۱۵۱ به دست آمد. پس از آن نمرات توانمندی اعضای با توجه به مقادیر کمترین، بیشترین، میانگین و انحراف معیار دسته بندی شدند. بدین ترتیب نمرات کمتر از ۷۶ در طبقه کم، بین ۷۶-۱۱۴ در طبقه متوسط، و نمرات ۱۱۴ و بیشتر در طبقه زیاد قرار گرفتند. ضمناً هیچ یک از اعضای در طبقه خیلی کم و خیلی زیاد نمره ای کسب نکرده‌اند (جدول ۴).

جدول ۴- توزیع فراوانی اعضای تعاونی‌های مورد مطالعه بر حسب میزان توانمندی (n=۱۲۸)

درصد تجمعی	درصد	فراوانی (نفر)	نمره توانمندی	میزان توانمندی
۳.۱	۳.۱	۴	کمتر از ۷۶	توانمندی کم
۸۶.۷	۸۳.۶	۱۰۷	۷۶-۱۱۴	توانمندی متوسط
۱۰۰	۱۳.۳	۱۷	بیشتر از ۱۱۴	توانمندی زیاد
	۱۰۰	۱۲۸		جمع

میانگین = ۹۹/۲۳ انحراف معیار = ۱۵/۱۸ حداقل = ۵۰ حداکثر = ۱۵۱

یک درصد و بین متغیر میزان شرکت در تصمیم‌های تعاونی (۰.۲۲۵) در سطح پنج درصد با توانمندسازی اعضای رابطه مثبت و معنی‌داری وجود دارد. از سوی دیگر نتایج نشان می‌دهد، سایر متغیرهای مورد بررسی با توانمندسازی اعضای رابطه معنی‌داری ندارند (جدول ۵).

به منظور بررسی رابطه بین متغیرهای پیش‌بین با متغیر ملاک و با توجه به رتبه‌ای بودن متغیرهای مزبور از ضریب همبستگی اسپیرمن استفاده شده است. نتایج تحقیق نشان داد که بین متغیرهای میزان مدیریت مشارکتی در تعاونی (۰.۳۳۷) و میزان انجام گروهی کارها در تعاونی (۰.۲۷۹) در سطح

جدول ۵- ضرایب همبستگی بین متغیرهای عوامل اجتماعی- فرهنگی و توانمندسازی اعضای تعاونی‌ها

سطح معنی‌داری	ضریب همبستگی	نوع ضریب همبستگی	متغیرهای تحقیق
۰.۰۶	۰.۱۶۵ ^{ns}	اسپیرمن	میزان تفاهم بین اعضای در تعاونی
۰.۲	۰.۱۰۲ ^{ns}	اسپیرمن	نگرش جامعه نسبت به اشتغال زنان
۰.۰۰۰	۰.۳۳۷ ^{**}	اسپیرمن	میزان مدیریت مشارکتی در تعاونی
۰.۰۰۱	۰.۲۷۹ ^{**}	اسپیرمن	میزان انجام گروهی کارها در تعاونی
۰.۰۱	۰.۲۲۵ [*]	اسپیرمن	میزان شرکت اعضای در تصمیم‌های تعاونی
۰.۰۸	۰.۱۵۲ ^{ns}	اسپیرمن	میزان شرکت اعضای در جلسات مجمع

** معنی‌داری در سطح ۰/۰۱ * معنی‌داری در سطح ۰/۰۵ ns = عدم معنی‌داری

برابر ۰.۱۳۲ به دست آمد. نتایج مبین آن است که متغیر مزبور روی هم رفته ۱۳.۹ درصد از تغییرات متغیر توانمندسازی اعضای را تبیین می‌نماید؛ لذا نتایج تحلیل رگرسیون نشان می‌دهد که از بین سه متغیر که دارای همبستگی معنی‌دار با متغیر توانمندسازی بودند، تنها یک متغیر در معادله باقی ماند. این یک متغیر نیز تنها توانایی تبیین ۱۳.۹ درصد از تغییرات توانمندسازی اعضای را دارد.

در ادامه به منظور برآورد تأثیر جمعی این عوامل بر متغیر توانمندسازی اعضای از رگرسیون خطی چندگانه استفاده شد. روشی که برای سنجش متغیرهای تبیین‌کننده در نظر گرفته شد، روش گام به گام بود. در تحلیل رگرسیون تنها متغیر «میزان مدیریت مشارکتی در تعاونی» وارد معادله گردید که مقدار ضریب همبستگی چندگانه برای متغیر مزبور برابر ۰.۳۷۲ و ضریب تعیین تعدیل شده

نتایج محاسبات نشان می‌دهد که ۸۶.۱ درصد از تغییرات، مربوط به عواملی است که در این تحقیق

مورد مطالعه قرار نگرفته است (جدول ۶)

جدول ۶- نتایج تحلیل رگرسیون چندگانه در تعیین تأثیر همزمان متغیرهای پیش بین بر متغیر ملاک تحقیق

ردیف	متغیر وارد شده در معادله	β	R	R^2 Adj	R^2	B	t	Sig
۱	میزان مدیریت مشارکتی در تعاونی	۰.۳۷۲	۰.۳۷۲ ^a	۰.۱۳۲	۰.۱۳۹	۰.۲۳۸	۴.۵۰۵	۰.۰۰۰
Constant=۲/۸۱۷					F = ۲۰/۲۹۳		Sig = ۰/۰۰۰	

گونه ای که بیش از نیمی از اعضا (۸۴/۴٪)، نگرش جامعه را در حد زیاد و خیلی زیاد ارزیابی نموده اند. یافته‌ها با نتایج Grown et al. (2005) و Vakoufaris et al. (2007) تناقض دارد.

نتایج پژوهش نشان داد که میزان مدیریت مشارکتی در تعاونی در حد کم بوده است. به طوری که ۱۲۳ نفر معادل ۹۶.۱ درصد جامعه آماری میزان مدیریت مشارکتی در تعاونی را در حد کم و خیلی کم ارزیابی نموده‌اند. در این رابطه می‌توان چنین اظهار نمود که همان‌گونه که مدیریت مشارکتی در تعاونی، موجب تسریع در انجام امور تعاونی و تسهیل در دستیابی به اهداف تعاونی می‌شود، نبود آن نیز موجب فقدان شبکه ارتباطی مناسب در تعاونی، نارضایتی و عدم تفاهم بین اعضا و ارکان می‌گردد. درویشی نیا (۱۳۷۹) این نتیجه را تأیید می‌نماید. حال آنکه علی بیگی و نکویی نائینی (۱۳۸۷) در تحقیق خود میزان مدیریت مشارکتی در تعاونی را متوسط ارزیابی نموده بودند. در همین رابطه اکثر اعضا (۹۱/۴٪) بر سر این موضوع اتفاق نظر دارند که انجام گروهی کارها در

لازم به ذکر است که متغیر «مدیریت مشارکتی» با بیشترین مقدار بتا، بیشترین سهم را در پیشگویی تغییرات متغیر توانمندسازی اعضا دارد. زیرا یک واحد تغییر در انحراف معیار آن باعث می‌شود تا انحراف معیار متغیر ملاک، ۳۷.۲ درصد تغییر کند. با توجه به نتایج حاصله، معادله خطی حاصل از رگرسیون به صورت زیر است:

$$Y = 2.817 + 0.238 (X_1)$$

(X_1 = میزان مدیریت مشارکتی در تعاونی)

بحث و نتیجه گیری

نتایج پژوهش نشان می‌دهد که اکثر اعضا، تفاهم زیادی با یکدیگر ندارند. به گونه ای که تنها ۵۱ نفر از اعضا که ۳۹.۹ درصد جامعه آماری را تشکیل می‌دهند تفاهم بین خود را در حد زیاد و خیلی زیاد ارزیابی نموده‌اند. یافته‌ها در تأیید نتایج عباسی (۱۳۸۶) است.

نتایج حاکی از آن است که جوامع روستایی مورد مطالعه، نگرش مثبتی نسبت به اشتغال زنان در خارج از منزل دارند. در واقع با تحولات اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، نوع برخورد و دید جامعه در مورد اشتغال زنان نیز تغییر مثبتی یافته است. به

Koutsou(2003)، خانانی و احمدی(۱۳۸۸)، صفری شالی(۱۳۸۷)، و شیخی(۱۳۷۹) یافته اخیر را مورد تأیید قرار می‌دهند.

بر مبنای نتایج حاصل از تحلیل رگرسیون، مدیریت مشارکتی در تعاونی عاملی است که بیشترین نقش را در تبیین تغییرات توانمندسازی اعضای دارد و خود به تنهایی ۱۳.۹ درصد از این تغییرات را تبیین می‌نماید. برخی نتایج به دست آمده در پژوهش های (Nawaz(2009), سبجانیان نژاد و زمانی(۱۳۸۸)، خانعلیزاده(۱۳۸۷)، صفری لی(۱۳۸۷)، عباسی(۱۳۸۶)، شعبانعلی فمی(۱۳۸۵)، و شیخی(۱۳۷۹) با این یافته مطابقت دارند. به طوری که از دیدگاه محققان فوق‌الذکر، آن دسته از مدیران که به مشارکت اعضای در اداره تعاونی اهمیت بیشتری می‌دهند، دارای بهره‌وری نیروی کار بیشتری نسبت به سایر شرکت‌ها می‌باشند.

پیشنهادها

از آنجا که توسعه و رشد ملت‌ها وابسته به وضعیت و موفقیت زنان آن کشور است، لذا به نظر می‌رسد فراهم ساختن زمینه‌های لازم برای حضور اجتماعی مؤثر و کارآمد زنان در قالب تعاونی‌ها علاوه بر اینکه می‌تواند یکی از راه‌های توانمندسازی این قشر از جامعه باشد، می‌تواند موجب توسعه اجتماعی، صنعتی و اقتصادی یک کشور نیز گردد. لیکن بررسی دیدگاه‌های اعضای تعاونی‌های روستایی زنان در خصوص نحوه عملکرد تعاونی‌ها در زمینه توانمندسازی اعضای آن و نیز بررسی روابط بین متغیرها و سایر روش‌های آماری مورد استفاده نشان می‌دهد که به لحاظ اجتماعی- فرهنگی تعاونی‌های روستایی زنان

تعاونی نیز در حد کم و خیلی کم انجام می‌گیرد. لیکن با وجود عدم مشارکت گروهی در کارهای تعاونی، ۷۸/۹٪ از اعضای اظهار داشته‌اند که در حد متوسط به پایین از اعضای در زمینه تصمیم‌گیری های تعاونی نظر خواهی انجام می‌شود. در واقع هنگام گرفتن آراء، از اعضای نظر خواهی می‌شود، اما هیچ یک از نظرات اعمال نمی‌شود. در موارد این چنینی می‌توان استنباط نمود که برای جلوگیری از جو متشنج در تعاونی و نیز جهت اظهار اینکه در تعاونی از اعضای نظر خواهی به عمل می‌آید، از اعضای نظر خواهی می‌شود، لیکن به دلیل سیاست های اجرایی و اداری و اغلب به دلایلی از قبیل اینکه فرامین از بالا از سازمان‌های تابعه صادر می‌گردد، عملاً هیچ یک از تصمیم‌ها یا نظرات اعضای در تعاونی لحاظ نمی‌گردد.

از طرفی بیش از نیمی از اعضای (۶۰/۲٪) بیان کرده اند به میزان کم و خیلی کم در جلسات مجمع عمومی شرکت داده می‌شوند. یافته های درویشی نیا (۱۳۷۹) مبنی بر اینکه ارکان تعاونی‌ها، اعضای را در جلسات مجمع شرکت نمی‌دهند در تأیید این نتیجه است.

ضرایب همبستگی بین عوامل اجتماعی- فرهنگی و میزان توانمندسازی اعضای نشان داد که بین متغیرهای میزان مدیریت مشارکتی در تعاونی و میزان انجام گروهی کارها در تعاونی با توانمندسازی اعضای با ۹۹ درصد اطمینان رابطه مثبت و معنی داری وجود دارد. نتایج همچنین بیانگر آن بود که بین میزان شرکت اعضای در تصمیم‌های تعاونی با توانمندسازی آن‌ها با ۹۵ درصد اطمینان رابطه مثبت و معنی داری وجود دارد. مطالعات (Kacharo(2007)،

و کارهای دسته جمعی در شرکت، مشارکت‌های مستمر در جلسات مجمع عمومی و مشارکت در تصمیم‌گیری‌ها و ارائه پیشنهادات به شرکت) افزایش دهند.

با توجه به نقش و تأثیر مدیریت مشارکتی بر توانمندسازی اعضا و معنی دار شدن رابطه این عامل با متغیر توانمندسازی اعضا، پیشنهاد می‌شود برای تحقق این امر (مدیریت مشارکتی) در تعاونی‌ها فرهنگ سازی شود و از این ظرفیت موجود یعنی آمادگی اعضا، بهره‌گیری شود.

از آنجا که بین شرکت اعضا در تصمیم‌گیری‌های مربوط به امور تعاونی با توانمندسازی آن‌ها رابطه مثبت و معنی داری به دست آمد، لذا پیشنهاد می‌شود ارکان به ویژه مدیران عامل هر تعاونی نسبت به اجرای مؤثر نظام پیشنهادات در تعاونی اهتمام ورزند تا از این طریق اعضا احساس نمایند در تصمیم‌ها و تغییرات حادث شده در تعاونی سهم هستند و حضور اثر بخشی دارند.

از آنجا که نزدیک به نیمی از اعضا حق دخالت در تصمیم‌گیری‌های شرکت را ندارند، لذا به مدیران پیشنهاد می‌شود زمینه لازم برای مشارکت در تصمیم‌گیری‌ها و اظهار عقاید راجع به امور تعاونی را برای اعضا فراهم سازند. در هر صورت اعضا و ارکان هر دو سهمی در اداره تعاونی دارند. بنابراین بهبود روابط میان آن‌ها در افزایش رشد تعاونی‌ها مؤثر خواهد بود.

تاکنون نتوانسته‌اند نقش بارزی را در توانمندسازی گروه‌های مذکور ایفا نمایند. به گونه‌ای که نتایج پژوهش نشان داد از بین عوامل اجتماعی- فرهنگی مورد بررسی عواملی نظیر میزان شرکت اعضا در جلسات مجمع عمومی، میزان مدیریت مشارکتی در تعاونی و میزان انجام گروهی کارها در تعاونی نسبت به دیگر عوامل مورد بررسی به لحاظ رتبه بندی، اولویت آخر را به خود اختصاص داده‌اند. به عبارتی از دیدگاه اعضا این موارد دارای تأثیر گذاری کمتری بر توانمندسازی آن‌ها می‌باشند؛ لذا ضروری است مسئولین به این مورد توجه ویژه‌ای نشان دهند. طی مصاحبه‌های به عمل آمده از ارکان تعاونی‌ها و گفتگو با کارشناسان اداره تعاون روستایی استان ایلام و همچنین با استناد به تقویم آموزشی سال‌های ۱۳۸۸، ۱۳۸۹، و ۱۳۹۰ مشخص شد که دوره‌های آموزشی برگزار شده برای مدیران عامل و اعضا هیئت مدیره شرکت‌های تعاونی تنها در زمینه‌های مدیریتی؛ وظایف و اختیارات ارکان شرکت‌ها، آشنایی با تجزیه و تحلیل صورت‌های مالی، تنظیم بودجه عملیاتی، آشنایی با قوانین اساس نامه و نحوه اداره جلسات مجمع بوده است؛ لذا در این راستا به برنامه ریزان پیشنهاد می‌شود از طریق تدوین روش‌ها و برنامه‌های آموزشی مناسب، آگاهی و مهارت ارکان را در زمینه مدیریت مشارکتی در تعاونی و همچنین شرکت اعضا به دور از هر گونه تبعیض در جلسات مجمع عمومی را نیز ارتقاء بخشند.

از آنجا که مشارکت اعضا (۹۱/۴٪) در انجام گروهی کارها در تعاونی کم بود، لذا توصیه می‌شود مدیران ترغیب شوند میزان مشارکت اعضا را در امور مختلف شرکت (اعم از مشارکت‌های گروهی

منابع و مأخذ

۱. برازنده مقدم، ف. (۱۳۸۸). نحوه تعامل با دستگاه های اجرایی مرتبط با تعاونی های زنان. مجموعه مقالات اولین نشست تعاونی های زنان. تهران: مرکز انتشارات سازمان مرکزی تعاون روستایی ایران. ۶۷-۶۱.
۲. خانعلیزاده، ر. (۱۳۸۷). بررسی تأثیر یادگیری سازمانی بر توانمندسازی کارکنان. پایان نامه کارشناسی ارشد، رشته مدیریت دولتی، دانشگاه تربیت مدرس.
۳. خانی، ف.، و احمدی، م. (۱۳۸۸). تبیین عوامل مؤثر بر مشارکت زنان در تصمیم گیری های اقتصادی- اجتماعی. مجله پژوهش زنان، دوره ۷، شماره ۴، صفحات ۹۵-۱۱۳.
۴. درویشی نیا، ع. ا. (۱۳۷۹). ارزیابی میزان موفقیت شرکت های تعاونی تولید روستایی در استان مازندران. پایان نامه کارشناسی ارشد، رشته ترویج و آموزش کشاورزی، دانشگاه تربیت مدرس.
۵. سبحانیان نژاد، ل.، و زمانی، غ. (۱۳۸۸). بررسی نقش رهبری در تعاونی ها. اولین همایش ملی دانشجویی ترویج و آموزش کشاورزی، شیراز، ۲۵ و ۲۶ آذر ماه ۱۳۸۸.
۶. شعبانعلی فمی، ح.، چوبچیان، ش.، رحیم زاده، م.، و رسولی، ف. (۱۳۸۵). شناخت و تحلیل سازه های موفقیت شرکت های تعاونی زنان در ایران. فصلنامه مطالعات زنان، سال چهارم، شماره ۲، صفحات ۸۹-۱۰۹.
۷. شیخی، م. (۱۳۷۹). بررسی عوامل مؤثر در مشارکت اعضاء تعاونی های کشاورزی در تصمیم گیری های مربوط به مدیریت تعاونی های کشاورزی استان تهران. پایان نامه کارشناسی ارشد، رشته ترویج و آموزش کشاورزی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات تهران.
۸. صفری شالی، ر. (۱۳۸۷). عوامل فرهنگی و اجتماعی مرتبط با میزان مشارکت زنان روستایی در امور و مسائل خانوادگی و اجتماعی. فصلنامه پژوهش زنان، دوره ۶، شماره ۱، صفحات ۱۵۹-۱۳۷.
۹. عباسی، ک. (۱۳۸۶). راه های توانمندسازی شرکت های تعاونی مطالعه موردی: استان آذربایجان شرقی. ماهنامه تعاون، شماره ۱۹۰-۱۸۹، صفحات ۵۰-۳۵.
۱۰. علی بیگی، ا. ح.، و نکویی نائینی، س. ع. (۱۳۸۷). عوامل مؤثر بر مشارکت اعضاء در مدیریت تعاونی های روستایی شهرستان کرمانشاه. مجله علوم کشاورزی ایران، دوره ۳۹-۲، شماره ۱ (ویژه اقتصاد و توسعه کشاورزی)، صفحات ۹۵-۸۷.
۱۱. کتابی، م.، و فرخی راستابی، ز. (۱۳۸۲). توانمندسازی زنان برای مشارکت در توسعه. مجله پژوهش زنان، سال سوم، شماره ۷، صفحات ۵-۳.
12. Acharya, S., Yoshino, E., Jimba, M., & Wakai, S. (2005). Empowering rural women through a community development approach in Nepal. *Oxford University Press and Community Development Journal*, 42 (1), 34-46. Retrieved from <http://cdj.oxfordjournals.org>
13. Allahdadi, F. (2011). Women's empowerment for rural development. *Journal of American Science*, 7(1), 40-42. Retrieved from **Error! Hyperlink reference not valid.**
14. Aster, P., & Maneja, B. A. (2002). *Women, weaving, & the web: an analysis*

20. Grown, C., Rao Gupta, G., & Kes, A. (2005). *Taking action: achieving gender equality and empowering women*. United Nations millennium project task force on education and gender equality, London: Earthscan. Retrieved from <http://www.unmillenniumproject.org/documents/Gender-complete.pdf>
21. Kacharo, D. K. (2007). *Agricultural information networks of farm women & role of agricultural extension: the case of dale woreda, southern nations, nationalities & peoples region* (Doctoral dissertation, University of Haramaya) Retrieved from <http://192.156.137.110/Link/Files/CasT/Abstracts%20of%20Thesis%20Completed%20by%20ILRI%20Graduate%20Fellows%202007%20-%20MSC.pdf>.
22. Koutsou, S. (2003). Women's cooperatives in Greece: an on-going story of battles, successes and problems. *Journal of Rural Cooperation*, 31(1), 47-57. Retrieved from <http://departments.agri.huji.acil/econocen/en/jrc/jrc-abs-koutsou.pdf>
23. Malhotra, M. (Ed.). (2010). *Empowerment of rural women*. Handbook of empowerment of women labour. Retrieved from <http://books.google.com/books?isbn=8182050685>
24. Nawaz, F. (2009). *Critical factors of women entrepreneurship development in Bangladesh rural*. Bangladesh Development Research Center (BDRC), 5(2), 1-16. Retrieved from **Error! Hyperlink reference not valid.**
25. Prakash, D. (2003). *Rural womens, food security & agricultural cooperatives*. Paper presented at the 4th Asian-African international conference on women in agricultural cooperatives in Asia and Africa. Retrieved from: **Error! Hyperlink reference not valid.**
26. Riano, R. E., & Okali, C. (2008). *Women's empowerment through their participation in productive projects: unsuccessful experiences*. Convergencia, No (46), 100-122, UAEM: Mexico.
- of rural Indian womens agency in attaining economic empowerment* (Doctoral dissertation, university of India). Retrieved from <http://www.georgetown.edu/cct/thesis/ClaireManeja.pdf>
15. Bharathamma, G. U. (2005). *Empowerment of rural women through income generating activities in gadag district of north karnataka* (Doctoral dissertation, university of dharwad) Retrieved from <http://etd.uasd.edu/ft/th8428.pdf>
16. Brennan, M. A. (2005). A cooperative to rural development in Ireland: cultural artifacts and the Irish diaspora as an example. *Journal of international agricultural and extension education*, 12(1), 15- 25. Retrieved from http://www.aiaee.org/attachments/170_Brennan-Vol-12.1-2.pdf
17. Charlier, S., Caubergs, L., Malpas, N., Mula Kakiba, E., Beck, D., & Grown, C. (2006). *The women empowerment approach (A methodological guide)*. Commission on Women and Development (CWD), Retrieved from <http://www.dgcd.be>
18. Chaudhry, I. S., & Nosheen, F. (2009). The determinants of women empowerment in southern Punjab (Pakistan): an empirical analysis. *European Journal of Social Sciences*, 10(2), 216-229. Retrieved from http://www.eurojournals.com/ejss_10205.pdf
19. Esim, S., & Omaira, M. (2009). *Rural women producers and cooperatives in conflicts settings in the Arab States*. Paper presented at the FAO-IFAD-ILO workshop on gaps, trends and current research in gender dimensions of agricultural and rural employment: differentiated pathways out of poverty Rome, 31 March - 2 April 2009. Retrieved from http://www.faoilo.org/fileadmin/user_upload/fao_ilo/pdf/papers/25-march/esim_fin.pdf

business in green cooperatives in the asian and pacific region. United Nations: Asia Pacific Women's Information Network Center (APWINC). Retrieved from <http://www.uwcc.wisc.edu/info/women/escap2468.df>

30. Vakoufaris, H., Kizos, T., Spilanis, I., Koulouri, M., & Zacharaki, A. (2007). A woman's cooperatives and their contribution to the local development of the north Aegean region, Greece. *Journal OF Rural Cooperation*, 35(1), 19-41. Retrieved from <http://ageconsearch.umn.edu/bitstream/58681/vakoufaris%2c%20kizos%20jrc%20351.pdf>

Retrieved

from http://convergencia.uaemex.mx/rev46/englis/fscommand/4_Rosa.pdf

27. Sanyang, S.E., & Huang, H. (2008). Green cooperatives: a strategic approach developing women's entrepreneurship in the Asian and pacific region. *World Journal of Agricultural Sciences*, 4(6), 674-683. Retrieved from [http://www.idosi.org/wjas/wjas4\(6\)/2.pdf](http://www.idosi.org/wjas/wjas4(6)/2.pdf)

28. Tayde, V. V., & Chole, R.R. (2010). Empowerment appraisal of rural women in marathwada. *Jornal of Extension Education*, 10 (1), 33-36. Retrieved from <http://www.seea.org.in/vol10-1-2010/08.pdf>

29. United Nations. (2007). *Developing women's entrepreneurship and e-*